



معنی لغت‌های مهم درس

شاهکار:	کار بزرگ و نمایان	اهلی:	رام و مطیع
آذرخش:	صاعقه، رعد و برق	آوخ:	آه، افسوس
تأمل:	اندیشیدن	سعادت:	خوشبختی
فراغت:	آسایش، آسودگی، رهایی	ترجیح:	برتری دادن
حوالی:	پیرامون، اطراف	ترسیم:	رسم کردن، کشیدن
کریما:	جوانمرد، بخشنده	رزق:	روزی
خو کردن:	عادت کردن	عقبی:	جهان آخرت، جهان پسین
ذلت:	خاری، زبونی	عطا:	بخشش، دهش، بخشیدن
فرقه:	گروه، دسته، طایفه	ریا:	دو رویی، تظاهر
آستان:	درگاه، حضور، جناب	خو کردن:	عادت کردن
کارفرما:	رئیس و سرپرست کارگران و کارمندان	فاش:	آشکار
سرور:	شاد شدن، خوشحال شدن	وقار:	آهستگی و بردباری
وداع کردن:	خداحافظی کردن	نغمه:	آواز

معنی عبارتهای مهم درس

بلافاصله نور اندیشه‌ای ذهنم را روشن کرد، همچون آذرخشی که در دل شب تاریک بدرخشد. به سرعت یک فکری همچون نوری درخشان ذهن من را روشن کرد، مانند صاعقه‌ای گذرا که در میان تاریکی شب می‌درخشد. زندگی من یکنواخت است؛ ولی تو اگر مرا اهلی کنی، زندگی من چون خورشید خواهد درخشید. زندگی من یکرنگ، ساده و بدون تغییر است اما اگر تو من را اهلی و رام کنی زندگی من همچون آفتاب پر نور و درخشان خواهد شد.

صدای پای دیگران مرا به لانه فرو خواهد خزانده؛ ولی صدای پای تو همچون نغمه موسیقی مرا از لانه بیرون خواهد کشید. صدای پای غریبه‌ها من را به داخل لانه خواهد برد. اما صدای پای آشنای تو مثل آهنگی دوست داشتنی من را از لانه به بیرون خواهد آورد.

آوخ که من خواهم گریست! آدم‌ها این حقیقت را فراموش کرده‌اند، ولی تو نباید هرگز از یاد ببری که هر چه را اهلی کنی، همیشه مسئول آن خواهی بود

افسوس که من خواهم گریست انسان‌ها این حقیقت را از یاد برده‌اند اما تو هرگز نباید فراموش کنی که هر چیزی را که رام و اهلی می‌کنی همیشه مسئول و سرپرست آن خواهی بود. به هر حال تو مسئول گل خودت هستی.

چیزی که از وجود این شاهزاده، مرا تا این درجه مفتون خود می‌سازد، وفای او نسبت به گل است و این تصویر آن گل سرخ است که در وجود او، حتی به هنگام خواب نیز همچون شعله چراغ می‌درخشد.

آن چیزی که از وجود این شاهزاده تا این اندازه مرا عاشق و شیفته خودش می‌کند وفاداری او نسبت به گل است و این تصویر



آن گل سرخی است که در وجودش حتی موقع خواب نیز هم چون شعله یک چراغ می‌درخشد.

اگر تو گلی را دوست داشته باشی که در ستاره‌ای باشد، لطفی دارد که اگر شب هنگام به آسمان نگاه کنی، همه ستارگان شکفته خواهند بود. اگر از تو روی عشق و علاقه و میل قلبی، گلی را دوست داشته باشی که در آسمان باشد، خیلی مورد پسند و خوب است که هنگام شب به آسمان نگاه کنی، چون تمام ستارگان آسمان را هم چون گل شکوفا و زیبا می‌بینی.

خود ارزیابی

سوال ۱: خلبان چگونه با شازده کوچولو آشنا شد؟ زمانی که به ناچار نخست روی شن‌ها خوابیده بود، هنگام طلوع خورشید با شنیدن صدای نازک و عجیب، شازده کوچولو از خواب بیدار شد که با وقار تمام او را نگاه می‌کرد، به هر حال در هنگام آشنایی او خود را شاهزاده کوچک معرفی کرد.

سوال ۲: چرا شازده کوچولو، شمارش ستارگان را برای کارفرما، بی‌فایده می‌دانست؟ چون نه ستارگان برای کارفرما فایده داشتند و نه کارفرما برای آنها فایده داشت.

سوال ۳: چرا روباه، دوست داشت اهلی شود؟

می‌خواست زندگی‌اش از یک نواختی و عادت خارج شود و زندگی‌اش چون خورشید بدرخشد و از زندگی و نغمه‌های مختلف لذت ببرد.

سوال ۴: شما اگر جای خلبان بودید با شازده کوچولو چگونه رفتاری داشتید؟ من او را به شهرمان دعوت می‌کردم و...

گفت و گو

سوال ۱: درباره شخصیت‌های داستان با هم گفت و گو کنید.

خلبان: انسانی رویایی که نقاشی را دوست دارد. صبور، بردبار، امیدوار و فعال است.

شازده کوچولو: معصوم، بی‌ریا، مسئولیت پذیر، متفکر و...

روباه: عاشق اهلی شدن، زیرک و توانمند

مالک ستارگان: خسیس، طمع کار و پر ادعا

سوال ۲: درباره پیام داستان شازده کوچولو بحث کنید.

پیام داستان متفاوت است؛ یعنی از این داستان چندین پیام می‌توان برداشت کرد: مسئولیت پذیری، صبوری، آینده نگری، نگرانی از داشته‌ها و...

نوشتن

سوال ۱: از میان گروه کلمات زیر، واژه‌های نادرست را بیابید و شکل درستشان را بنویسید

تصویر مار بوآ، حضم غذا، حدث و گمان، با وقار تمام، ودا و خداحافظی، عظیمت به سیاره زمین، مالک ستاره گان، انسان علاقمند

حضم غذا - حدس و گمان - وداع و خداحافظی - عظیمت به سیاره زمین - مالک ستارگان

سوال ۲: در بند اول درس قیدها را مشخص کنید. وقتی، روزی، در کتابی



سوال ۳: با توجه به کلمه‌های داخل کمانک زمان فعل‌های هر جمله را تغییر دهید و جمله را بازنویسی کنید.

▪ من شاهکار خود را به آدم‌های بزرگ نشان دادم. (ماضی بعید)
من شاهکار خود را به آدم‌های بزرگ نشان داده بودم.

▪ این هواپیما، با سرعت فوق العاده پرواز می‌کند. (ماضی مستمر)
این هواپیما، با سرعت فوق العاده‌ای داشت پرواز می‌کرد.

▪ راز دیگری از زندگی شاهزاده کوچک بر من فاش شد. (مضارع التزامی)
کاش راز دیگری از زندگی شاهزاده کوچک بر من فاش بشود.

سوال ۴: جدول صفحه بعد را کامل کنید.

۱ - غزل، مثنوی، قصیده نوعی شعری هستند. **قالب**

۲ - یکی از اجزای جمله و به معنی بند است. **قید**

۳ - دو مصرعی که با هم بیایند. **بیت**

۴ - یکی از عناصر مهم داستان **درون مایه**

۵ - به ادبیات دفاع مقدس می‌گویند. **ادبیات پایداری**

۶ - از آن طرف بخوانید نوعی جمله است. **یرما**

۷ - صفت «ادب» و یکی از انواع نوشته **ادبی**

۸ - اگر از آن طرف بخوانید مترادف هویدا است. **ادیپ**

۹ - با فعل اسنادی می‌آید. **مسند**

۱۰ - ریشه فعل **بن**

۱۱ - نوعی ماضی است. **استمراری**

۱۲ - کتاب مشهور مولوی **مثنوی**

۱۳ - «دوست» به زبان ترکی **یولاش**

۱۴ - معمولاً همراه آموزش می‌آید. **پرورش**

۱۵ - حرف ربط. **و**

فرصتی برای اندیشیدن

سوال ۱: یکی از نقاشی‌ها پرندگان را به اشتباه انداخت؛ آنها چگونه فریب خورده بودند؟

نقاشی میوه‌ها آن قدر شبیه میوه بود که پرندگان قدرت تشخیص غیر واقعی بودن میوه‌ها را نداشتند؛ به همین خاطر به طرف تابلوی نقاشی هجوم بردند و به آن نوک زدند تا میوه‌ها را بخورند.

سوال ۲: نقاشی دیگر، چشم‌های انسانها را به اشتباه انداخت. معنای این جمله چیست؟ آیا چشم‌های شما هم تا به حال اشتباه کرده است؟

نقاش دوم، تصویر یک پرده را نقاشی کرده بود. این کار نقاش دوم گذشته از خطای دید، خطای فکر هم بود. یعنی همه فکر می‌کردند که بعد از برداشتن پرده، قضاوت درباره نقاشی شروع می‌شود و همین فکر کردن باعث خطای دیدشان شده بود، بله ما هم در خیلی از مواقع دچار خطای دید می‌شویم.



معنی ابیات شعر نیایش «بیا تا بر آریم دستی ز دل»

بیا تا بر آریم دستی ز دل که نتوان برآورد فردا ز گل

بیا تا از ته دل و با تمام وجود خدا را عبادت کنیم، زیرا پس از مرگ امکان شکرگزاری و دعا در قبر وجود ندارد.

کریم، به رزق تو پرورده‌ایم به انعام و لطف تو خو کرده‌ایم

ای خدای بخشنده، ما با رزق و روزی تو پرورش یافته‌ایم و به بخشش و مهربانی تو عادت کرده‌ایم.

چو ما را به دنیا تو کردی عزیز به عقبی همین چشم داریم نیز

وقتی که ما را در این دنیا عزیز و محترم قرار دادی، در آخرت هم همین را از تو انتظار داریم.

به لطفم بخوان و مران از درم ندارد به جز آستانت سرم

خدایا با لطف و مهربانی مرا به سوی خویش دعوت کن و از درگاہت مرا دور نکن؛ زیرا به جز درگاه تو هیچ پناهگاهی ندارم.

چراغ یقینم فـرا راه دار ز بد کردنم دست، کوتاه دار

خدایا، بینش، یقین و ایمان را مثل یک چراغ بر سر راه من قرار بده و وجودم (دستم) را از انجام کارهای بد دور نگه دار.

خدایا به ذلت مران از درم که صورت نبندد دری دیگرم

خدایا، مرا با خواری و پستی‌ام از درگاه خودت دور نکن، زیرا به جز درگاه تو، برای بنده ضعیف هیچ راه و امید دیگری وجود ندارد.



معنی لغت‌های مهم درس

ستودن:	ستایش کردن	فروزنده:	افزونده، روشن کننده
گردان سپهر:	آسمان گردنده	مرنجان:	آزار مده، رنج مده
اندیشه:	فکر	برنا:	جوان
بیننده:	در اینجا یعنی چشم‌ها	جای:	مکان، مقام
چو:	بدان سان که، آن چنان که	خداوند نام:	نام به معنی مینو، بهشت
خداوند:	صاحب و دارنده	خرد:	عقل
ذکر:	یاد کردن خدا	سپهر:	آسمان، آسمان پر ستاره
ملک:	خداوند، پادشاه، ملوک	مهر:	خورشید
میان:	کمر	نداند:	نمی‌تواند

معنی ابیات

بی‌نام خداوند جان و خرد	کـزین برتر اندیشه بر نگذرد
با نام خدایی آغاز می‌کنیم که آفریننده روح و عقل و آدمی است؛ هیچ فکری نمی‌تواند از این اندیشه بالاتر و برتر برود.	
خداوندِ نام و خداوندِ جای	خداوندِ روزی ده رهنمای
او خدایی است که آفریننده همه چیز است؛ جهان مادری و جهان آخرت، خدایی که روزی می‌رساند و راه را به ما نشان می‌دهد.	
خداوندِ کیوان و گردان سپهر	فروزنده ماه و ناهید و مهر
خداوند همه چیز را آفریده است؛ کیوان بالاترین سیاره آسمان، آسمان گردنده، ماه پر نور و سیاره ناهید و خورشید	
به بینندگان، آفریننده را	نبینی، مرنجان دو بیننده را
تلاش برای دیدن خداوند کار بیهوده‌ای است و این کار به جز آزدن و رنجاندن چشم‌ها، فرجامی ندارد.	
نیابد بدو نیز، اندیشه راه	که او برتر از نام و از جایگاه
مسائلی است که با چشم دیده می‌شود. از این روی، آنچه که فراتر از دیدن و احساس انسان باشد، غیر قابل درک و فهم است.	
ستودن نداند کس او را چو هست	میان بندگی را بپایدت بست
چون خداوند را آنچنان که شایسته اوست، نمی‌توانیم بشناسیم، پس آن چنان که شایسته اوست، وی را نمی‌توانیم ستایش کنیم. بنابراین، باید چون و چرا درباره خداوند را کنار بگذاریم و کمر بندگی برای اطاعت خداوند ببندیم.	
توانا بود هر که دانا بود	ز دانش، دل پیر، برنا بود
انسان دانا و آگاه در انجام کارها موفق و پیروز است. آگاهی و دانش سبب شادابی و نشاط دل انسان می‌شود.	